روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۱ • ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۵ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۳۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۱
اذان صبح فردا ۵:۳۰ • طلوع آفتاب ۷:۰۰

# روزنامه شرق

• در فصل پاییز در استان خوزستان پس از درو گیاه کنجد و خشک‌شدن گیاه زیر نور آفتاب، گیاهان را دسته کرده و با تکان و ضربه، سعی بر خروج دانه‌های گیاه کنجد می‌کنند. به این شیوه در گویش لری «تینیدن» می‌گویند.
عکس: سیدخلیل موسوی، مهر

**دیالوگ روز**

**چهل‌سالگی - علیرضا رئیسیان- ۱۳۸۸**

عزت‌الله انتظامی (معیر پیرنا): عشق، ایمان، مرگ.
محمدرضا فروتن (فرهاد): همون سه کلمه‌ای که هر آدمی باید تنها تجربه کنه...
عزت‌الله انتظامی: تنهایی عاشق بشی، تنهایی ایمان بیاری، تنهایی هم بمیری.

**خبرخوانی**

## هزاران افسوس برای یک خودکشی

مرگ دانشجوی دکترای رشته برق دانشگاه تهران بر اثر خودکشی، شوک بزرگی را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. در شبکه‌های اجتماعی بیشتر خانواده‌ها و پدر و مادرها بودند که در شوک این خبر فرو رفتند. در اوج خبرهای تلخ این روزها، این خبر مانند تیری بود که بر دل بسیاری از خانواده‌هایی نشست که امیدوار به آینده ایران به خاطر تلاش فرزندان‌شان بودند.

روز شنبه ۱۲ آذر که خبرگزاری ایسنا این خبر را مخابره کرد، اندکی بعد بیانیه دانشگاه تهران منتشر شد که این دانشجو خود را از پله‌ها به پایین پرت کرده است. دیروز صبح خبر درگذشت این خانم منتشر شد.

گفته می‌شود این دانشجو نگارنده یک مقاله پژوهشی مستخرج از رساله خود بوده است که حاصل پژوهش چهارساله او بوده و در یک ژورنال معتبر بین‌المللی پذیرفته شده بود؛ اما بنا بر تاکید استاد مربوطه نام یک دانشجوی دیگر بدون رضایت خانم در آن گنجانده شده بود.

این گزارش از روندی بود که برای این دانشجو رخ داده است. اکثر مادران و خانواده‌ها با اندوه از زحمات این دانشجو و مسیری که طی کرده، یاد کردند و یکی نوشت: «چقدر تلاش کرده تا به مرحله دکترا، اون هم رشته برق تهران رسیده. درد خیلی‌خیلی سنگین و غیر قابل تحملیه. خدا به خانواده‌ش خیلی صبر بده»؛ اما برخی دیگر به‌شدت از استاد و روندی که در پیش گرفته، عصبانی بودند. بسیاری معتقد بود باید نام این استاد مطرح و رسوا شود؛ چراکه این‌گونه استادان بویی از انسانیت نبرده‌اند و حتما این روند را ادامه خواهند داد و فقط به فکر سوءاستفاده از جایگاه خود هستند. برخی دیگر معتقد بودند دانشجویان تحت فشار زیادی، چه از منظر مالی و چه از منظر سخت‌گیری برخی استادان هستند.

حسن آخانی، استاد دانشگاه و کارشناس محیط زیست نیز در یادداشتی به بیان تجربه‌های خود به‌عنوان استاد و دانشجو، چه در ایران و چه در خارج از کشور پرداخت. او با کنار هم قراردادن نام این دانشجو «زهرا» با نام رود «زهره» که به‌زودی با آب‌گیری سد چم‌شیر نابود خواهد شد، نوشت: «برای من فرقی بین خودکشی زهرا و کشتن رودخانه زهره نیست. همان نظام آموزشی که زهرا را به خودکشی کشاند، دارد با بی‌اخلاقی یک عده استادنما و مهندس، رودخانه زهره را می‌کُشد».

او همچنین از همکاران و دانشجویان خواست: «من از همکاران دانشگاهی و دانشجویان می‌خواهم که بیاییم در این موارد صحبت کنیم. ماجرای این دختر، ماجرای هزاران دانشجوی دیگری است که نام‌هایی روی مقاله‌های‌شان می‌آید که حتی یک بار مقاله را نخوانده‌اند. دانشجویانی که برخلاف همه جای دنیا حقوق‌شان پرداخت نمی‌شود و گرفتار مشکلات روحی زیادی هستند. اگر نمی‌توانیم بودجه پژوهش و امکانات و حقوق پژوهشگر را تأمین کنیم، نباید دانشجو بگیریم».

دراین‌میان تیغ انتقاد به سوی این استاد روانه بود که او سعی کرد در یک گروه با انتشار فایل صوتی به توجیه عملکرد خود بپردازد؛ اما رفتار او بیشتر ریاکارانه مورد ارزیابی قرار گرفت و این سؤال از او پرسیده شد که اگر باور دارد و تأکید می‌کند اصل زحمت را این خانم دانشجو کشیده، چه لزومی بر پافشاری اسم شخص دیگری بوده است.

این سؤال را هم شاید بعدتر استاد بتواند جواب دهد که چه جوابی برای مرگ و ازدست‌رفتن زندگی و آرزوهای این دانشجو دارد.

این خودکشی سبب شد تا بار دیگر مصائب تحصیل در ایران مرور شود. این خواسته شده که اسامی این استاد و استادانی نظیر او علنی و رفتار و عملکرد آنها در دادگاه بررسی شود و محاکمه او باید حتما پیگیری شود تا حداقل بتوان این روند را بهبود بخشید؛ چراکه مرگ این دانشجو بیهوده نباشد.

هرچند به نظر می‌رسد روند سوءاستفاده و فشار استادان در شرایط کنونی آموزشی ایران پایانی نخواهد داشت.

# داستان دنباله‌دار غرامت جنگی

محمود فاضلی

تلفات و خسارات جنگ جهانی دوم بسیار گسترده بود. قاره اروپا هرگز چنین خرابی و تلفات جانی‌ای ندیده بود. ۵۵ میلیون نفر در جنگ کشته شده بودند که از این تعداد ۴۵ میلیون نفر متعلق به قاره اروپا بودند. آمریکا ۲۹۰ هزار نفر تلفات داشت. میزان تلفات انگلیس ۴۰۰ هزار سرباز در میدان جنگ و صد هزار غیرنظامی برآورد می‌شد. بلژیک، هلند و نروژ ده‌ها هزار تلفات داشتند. تلفات فرانسه به ۲۰۰ هزار سرباز و ۴۵۰ هزار غیرنظامی بالغ می‌شد.

### خسارت سنگین جنگ جهانی دوم به اروپای شرقی

در اروپای مرکزی و شرقی تلفات ناشی از جنگ جهانی بسیار سنگین بود؛ زیرا ۱۳میلیون‌و ۶۰۰ هزار سرباز و در حدود ۱۲ میلیون غیرنظامی در قتل‌عام‌ها یا از گرسنگی و سرما در پیشروی‌های آلمان، جان خود را از دست دادند. روس‌ها جمعا ۲۵ میلیون نفر، یعنی بیش از ۱۰ درصد جمعیت خود تلفات داشتند. آلمان مانند روسیه ۱۰ درصد جمعیت خود یعنی پنج‌میلیون‌و ۷۰۰ هزار نفر را از دست داد. از این میان، یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزار نفر نظامی و بیش از چهار میلیون نفر غیرنظامی بودند. تلفات لهستان ۳۰۰ هزار سرباز، یوگسلاوی ۳۰۰ هزار سرباز و ۱۴۰ هزار غیرنظامی، یونان ۱۵۰ هزار سرباز و ۳۵۰ هزار غیرنظامی، چین از شش تا هشت میلیون نفر و ژاپن پنج‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار سرباز و ۶۰۰ هزار غیرنظامی بود. علاوه بر تلفات جانی، در تمام کشورها خرابی‌های هولناکی به وجود آمد و منابع عظیمی منهدم شد.

خرابی‌های دامنه‌دار در همه جای اروپا دیده می‌شد. سیاست «زمین سوخته» که ابتدا توسط روسیه و پس از عقب‌نشینی آلمان در خاک روسیه انجام گرفت، خرابی‌های گسترده‌ای در آن کشور به‌ویژه در محورهای مسکو، لنینگراد، استالینگراد و قفقاز به وجود آورد. در آلمان کلیه شهرهای بزرگ تقریبا بدون استثنا با خاک یکسان شدند. در ایتالیا خرابی‌های عظیمی به وجود آمد و در بمباران‌های شدید آن کشور، به آثار هنری و تاریخی توجهی نکردند و تعدادی از بناهای تاریخی ویران شد.

تهاجم نظامی آلمان به لهستان از اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ در قالب عملیات موسوم به «مورد سفید» نقطه آغاز شروع جنگ جهانی دوم بود و لهستان کشوری بود که سخت‌ترین صدمات جنگ به آن وارد شد. شش میلیون شهروند لهستانی کشته شده بودند که گفته می‌شود نیمی از آنها یهودی بودند. در سال ۱۹۴۵ تقریبا نیمی از اراضی قابل کشت لهستان به حال خود رها شده بود و تولید محصولات کشاورزی به ۳۸ درصد میزان قبل از جنگ کاهش یافت. تجهیزات کشاورزی به کلی نابود شده بود.

### لهستان و دریافت خسارت‌های جنگ جهانی دوم

وزارت خارجه لهستان اخیرا محتوای غرامت‌های درخواستی خود از برلین را که چندی پیش به آلمان ارسال شده بود، به‌طور علنی اعلام کرد. به گفته «زبیگنیو راو»، وزیر خارجه لهستان، آلمان و لهستان باید گام‌هایی فوری برای حل‌وفصل حقوقی و مادی دائمی، جامع و نهایی عواقب تجاوز و اشغال آلمان از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بردارند. محاسبات صورت‌گرفته از سوی پارلمان لهستان نشان می‌دهد در طول جنگ لهستان، در مجموع مبلغ بالایی به این کشور خسارت وارد شده است. این میزان شامل خسارات انسانی نیز می‌شود و تخمین زده شده هر فردی که در طول جنگ جان خود را از دست داده، باید معادل ۱۷۵ هزار دلار دریافت کند. بخش درخور توجهی از این غرامت به مرگ بیش از پنج‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار شهروند لهستانی مربوط است.

ورشو بابت خسارت‌های مادی و معنوی آلمان نازی به لهستان در جریان جنگ جهانی دوم درخواست ۱،۳۲ تریلیون دلار غرامت کرد. عواقب تجاوز آلمان باید شامل پرداخت غرامت برای خسارت مادی و غیرمادی واردشده به دولت لهستان باشد. لهستان از برلین خواسته تا برای بازگرداندن اشیای فرهنگی که نازی‌ها آنها را غارت کردند و در آلمان نگهداری می‌شوند، «اقدامات هماهنگ» را اتخاذ کند و دارایی‌ها و مطالبات بانک‌های دولتی و مؤسسات اعتباری لهستان که رایش سوم در سال‌های جنگ مصادره کرده نیز باید پس داده شود. آلمان باید به «قربانیان تجاوز و اشغال آلمان و همچنین خانواده‌های آنان، بابت ضررها و لطمه‌هایی که متحمل شده‌اند»، غرامت بپردازد.

### غارت دارایی بانک‌های لهستان

لهستان همچنین خواهان بازگرداندن دارایی بانک‌های دولتی این کشور است که توسط دولت آلمان در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ غارت شده بود. دولت راست‌گرای لهستان می‌گوید که نخستین کشور قربانی جنگ بوده و خسارت‌های این جنگ به‌طور کامل از سوی آلمان جبران نشده است. از زمان روی کار آمدن حزب قانون و عدالت در لهستان در سال ۲۰۱۵ درخواست دریافت غرامت از آلمان افزایش یافته است. پارلمان لهستان نیز اخیرا در قطع‌نامه‌ای از دولت آلمان خواست «مسئولیت سیاسی، تاریخی، حقوقی و مالی تمامی عواقب ناشی از آغاز جنگ جهانی دوم را بر عهده بگیرد». این قطع‌نامه با اکثریت قاطع ۴۱۸ رأی از ۴۳۷ رأی نمایندگان حاضر تصویب شد. لهستان بر این باور است ده‌ها کشور جهان به‌خاطر جنایت‌ها و خسارت‌های جنگ جهانی دوم از آلمان خسارت دریافت کرده‌اند و دلیلی وجود ندارد که لهستان از این قاعده مستثنا باشد.

از دیدگاه لهستان، غیرممکن است که ارزش مالی برای ازدست‌دادن جان ۵،۲ میلیون نفر قائل شد. این کشور خسارات وارده به زیرساخت‌ها، صنعت، کشاورزی، فرهنگ، تبعید به آلمان برای کار اجباری و... را فهرست کرده و تیمی متشکل از ۳۰ اقتصاددان، مورخ و کارشناس از سال ۲۰۱۷ بر روی این گزارش کار کرده‌اند. آلمان بارها مدعی شده پرداخت غرامت با اعلامیه رهبر کمونیست لهستان در سال ۱۹۵۳ که در آن لهستان از غرامت‌های آلمان صرف نظر کرد، مختومه شده و موضع آلمان بدون تغییر است. لهستان در سال ۱۹۵۳ از غرامت‌های بیشتر چشم‌پوشی کرد و بارها این معافیت را تأیید کرده است. از زمان پایان جنگ جهانی دوم، آلمان حدود ۷۴ میلیارد یورو غرامت، عمدتا به اسرائیل و کشورهای اروپای غربی یا افراد ساکن در آن کشورها، پرداخته است.

ماتئوش موراویتسکی، نخست‌وزیر لهستان، اخیرا مدعی شده اگر آلمانی‌ها می‌خواهند روسیه به خاطر جنگ در اوکراین مجازات شود و به این کشور برای جنایاتی که در آنجا مرتکب شده است غرامت بپردازند، باید پاسخ‌گوی جنایات و کشتار جمعی علیه لهستان در طول جنگ جهانی دوم نیز باشند. اگر آلمان این مسئولیت را نپذیرد، پس روسیه هرگز نمی‌تواند در قبال جنایاتی که نیروهای روسی اکنون در اوکراین مرتکب می‌شوند، پاسخ‌گو باشد.

**مهاجران**

## مرحله بعدی: بی‌کاری و خانه‌نشینی

چندروزی است که خبر گران‌شدن آزادسازی مدرک تحصیلی آن‌هم به میزان شش برابر منتشر شده است؛ آن‌هم در همان روزی که روزنامه جوان از مهاجرت بیش از دومیلیون‌و ۸۰۰ نفر -به اندازه جمعیت کشور قطر- خبر داد. برخی معتقدند این راه‌حلی است که برای مقابله با مهاجرت جوانان و افراد حرفه‌ای در نظر گرفته شده است. برخی نیز معتقدند این شیوه تکلیف را برای کسانی که نمی‌خواهند در ایران بمانند یکسره می‌کند و آنان ناگزیر از مهاجرت در ابتدای جوانی هستند. تحلیل‌های مختلفی در این زمینه شده و این سؤال از منظر متخصصان مطرح شده که دولت با این روند برای اشتغال چه تدبیری اندیشیده است. رسانه فردای اقتصاد از چند منظر به این موضوع پرداخته، با این ایده که راه جایگزین برای تحصیل‌کردگان «بازار کار» است. همه دانشجویانی که در دانشگاه‌های سراسری تحصیل می‌کنند، تعهد دارند که یا پس از فارغ‌التحصیلی برای مدتی در کشور کار کنند تا مدرک خود را دریافت کنند یا هزینه مربوط به آن را پرداخت کنند؛ هزینه‌ای که برای مدرک ارشد حدودا ۵۰ میلیون تومان تخمین زده می‌شود. سؤال این است آیا این نرخ‌ها نوعی «گروکشی» است؟ چراکه این تصمیم برای تمام فارغ‌التحصیلان قدیمی نیز لازم‌الاجراست. این واقعیتی است که در شرایط این روزها، مهاجرت از طریق ادامه تحصیل در خارج از کشور یکی از رایج‌ترین روش‌های مهاجرت ایرانیان است. در خلال این روند معمولا اصل مدرک تحصیلی فرد نیاز می‌شود و اصولا یکی از مخارج ادامه‌تحصیل در خارج کشور، همواره هزینه معروف به «آزادسازی مدرک» بوده که اکنون از ۲۵۰ میلیون تومان هم عبور کند.

بنابراین باید آن را مانع مهاجرت و احتمالا در دید مسئولان در راستای «استفاده» از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در داخل کشور دانست که تنها ترجمه منطقی آن، اشتغال آنها در داخل برای مشارکت در رشد اقتصادی کشور است. به نظر نمی‌رسد بازار کار ایران ظرفیت پذیرش نیروی کار تحصیل‌کرده را داشته باشد. درواقع یکی از دلایل مهم مهاجرت افراد همین نبود شغل و درآمد مناسب است. سؤال دیگر این است که آیا افزایش‌دهندگان شش‌برابری هزینه آزادسازی مدرک، آینده‌ای برای آنها متصور شده‌اند؟

آمارها نشان می‌دهد فقط ۵۰ درصد از دارندگان مدرک کارشناسی مشغول به کار شده‌اند. به نظر می‌رسد بخش زیادی از کسانی که از مهاجرتشان جلوگیری می‌شود قرار است به جمعیت بی‌کار و غیرفعال اضافه شوند و نتوانند پیشرفت شغلی و اقتصادی مدنظر خودشان را تجربه کنند. موانع کلان رشد اقتصادی ایران باعث شده بازار کار نتواند بازدهی خوبی برای نیروی کار با مهارت و تحصیل‌کرده ایجاد کند. در شرایطی که اقتصاد از رشد ایستاده و سرمایه‌گذاری روی سرمایه فیزیکی متوقف شده، نمی‌توان از سرمایه انسانی انباشته در تحصیلات دانشگاهی استفاده کرد. حالا باید دید سیاست‌گذاران چه ترفندی برای مرحله بعدی سرنوشت جوانان ایران در نظر گرفته‌اند؛ خانه‌نشینی و بی‌کاری و افسردگی یا اشتغال و خدمت به کشور.

**ذهن‌خوانی**

# جنگی شدید در ذهن‌ها

**مریم مرامی:*** احتمالا اولین تصویری که از کلمه جنگ در ذهن بسیاری از ما ایجاد می‌شود، انبوهی از سربازان مسلح و جنگ‌افزارهاست؛ اما در سال‌های اخیر و به‌طور خاص پس از اشغال شبه‌جزیره کریمه به دست روسیه در سال ۲۰۱۴، شکل جدیدی از جنگ با نام جنگ شناختی به اصطلاحی پرتکرار در ادبیات نظامی تبدیل شد. در این مفهوم، عرصه نبرد نه در زمین و هوا، بلکه در ذهن انسان است و توانایی شناختی فرد برای تصمیم‌گیری آگاهانه و به‌موقع، هدف قرار می‌گیرد. تعاریف مختلفی برای جنگ شناختی وجود دارد؛ ازجمله جنگ ایدئولوژی‌هایی که به دنبال تضعیف اعتماد زیربنای هر جامعه‌ای است. اطلاعات نادرستی که از آسیب‌پذیری شناختی اهداف خود سوءاستفاده می‌کند و از ترس‌ها یا باورهای از پیش موجود که آنها را مستعد پذیرش اطلاعات نادرست می‌کند، بهره می‌برد. گستره جنگ شناختی بسیار وسیع است؛ از فرد گرفته تا دولت‌ها و سازمان‌های چندملیتی، همگی می‌توانند از اهداف بالقوه آن باشد. ابزار اصلی در این جنگ انتشار گسترده اطلاعات نادرست، شایعه و پروپاگاندا به منظور تخلیه روانی گیرنده‌های این اطلاعات (افراد) است. همه افراد جامعه آگاهانه یا ناخودآگاه، در گسترش این اطلاعات نادرست و پیامدهای آن در جامعه خود سهیم هستند. از سوی دیگر به واسطه پیشرفت‌های فناورانه در حوزه نانو، بایو و سایبری طیف زیادی از قابلیت‌ها برای ایجاد تسلیحات عصبی در حال ایجاد است که در کنار ابزارهای جنگ اطلاعاتی، بیانگر این موضوع هستند که حوزه شناختی به یکی از میدان‌های نبرد فردا تبدیل خواهد شد. البته این فناوری‌ها و علاقه بخش نظامی به آنها چیز جدیدی نیست و بسیاری از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی نظامی و امنیتی مثل سازمان دارپا و آی‌آرپا سال‌هاست در این زمینه فعال هستند؛ اما توجه رسمی به این موضوع حاکی از پررنگ‌بودن نقش تسلیحات عصبی در نیروهای نظامی و نبردهای آینده است. پیاده‌سازی این شکل از جنگ مستلزم آن است که متجاوز درک روشنی از پویایی‌های سیاسی-اجتماعی در حال وقوع داشته باشد و دقیقا بداند چه زمانی و چگونه باید نفوذ کند تا از این آسیب‌پذیری‌ها بهترین استفاده را ببرد. سرعت و فراگیری شدید شبکه‌های اجتماعی، تلفن‌های همراه و اساسا اینترنت، حجم زیادی از اطلاعات را در لحظه تولید می‌کند. از سوی دیگری ذهن انسان به دلیل شیوه‌هایی که برای پردازش اطلاعات دارد، قادر به پردازش و صحت‌سنجی انبوهی از جریان اطلاعات نیست و اینجا دقیقا آسیب‌پذیری است که جنگ شناختی از آن نهایت استفاده را می‌کند و ذهن افراد یک جامعه را هدف قرار می‌دهد. سوءاستفاده از قدرت شناخت انسان به یک صنعت فراگیر تبدیل شده و انتظار می‌رود دستاوردهای جدید هوش مصنوعی به‌زودی فرصت‌های زیادی را برای دستکاری ذهن انسان و تغییر رفتار انسان در اختیار صاحبان قدرت قرار دهد. برای مثال می‌توان به اقتصاد رفتاری اشاره کرد. اقتصاد رفتاری روشی از تحلیل اقتصادی است که در آن از درک روان‌شناختی رفتار انسان برای توضیح تصمیم‌گیری اقتصادی استفاده می‌شود. به‌طور خاص، دانستن اینکه رفتار سهامداران یک شرکت نسبت به یک خبر چگونه خواهد بود، می‌تواند اطلاعات زیادی را در اختیار صاحبان شرکت قرار دهد و حتی با جریان‌سازی رسانه‌ای، سهامداران را به سمت حالت دلخواه مدنظر هدایت کنند. از نظر عملیاتی، این به معنای استفاده گسترده و روشمند از داده‌های رفتاری افراد و همچنین توسعه روش‌هایی برای به‌دست‌آوردن منابع جدید داده است. با حجم عظیمی از داده‌های رفتاری افراد که عمدتا بدون رضایت و آگاهی آنها تولید می‌شود، دستکاری شناختی بیشتر امکان‌پذیر شده است.

اقتصاد دیجیتال و وابستگی زندگی ما به اینترنت موجب شده شرکت‌های بزرگ روش‌های جدیدی برای جمع‌آوری داده‌ها توسعه داده باشند که کاربران لزوما قصد افشای آنها را نداشته باشند، اما نمایانگر اطلاعات شخصی افراد است. به‌طور مثال می‌توان به فیس‌بوک، گوگل، آمازون و مایکروسافت اشاره کرد. تصادفی نیست که این شرکت‌ها بارها به دلیل تحمیل انحصار و دستکاری داده‌های کاربران مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. از آنجایی که همه آنها فعالانه با نیروهای امنیتی ایالات متحده به‌عنوان پیمانکار همکاری می‌کنند، این خطر دستکاری عمدی را برای کاربران از سراسر جهان ایجاد می‌کند. همچنین استدلال می‌شود که عدم تنظیم فضای دیجیتال نه‌تنها به نفع رژیم‌های عصر دیجیتال است، بلکه می‌تواند تأثیر درخور توجهی نه‌تنها بر شبکه‌های رایانه‌ای و بدن انسان، بلکه بر ذهن شهروندان آنها نیز داشته باشد. شاید بهترین مثال از این حوزه مدل دیجیتالی کمبریج آنالیتیکا باشد که کمک شایانی به پیروزی «دونالد ترامپ» در مقابل «هیلاری کلینتون» در انتخاب ریاست‌جمهوری آمریکا کرد. کمبریج آنالیتیکا با استفاده از پیشرفته‌ترین روش‌های پیمایشی و روان‌سنجی توانست حجم عظیمی از داده‌های اقتصادی، جمعیتی، اجتماعی و رفتاری را درباره افراد جمع‌آوری کرده و بفهمد هریک از آنها چگونه فکر می‌کنند. این شرکت با استفاده از داده‌های شخصی کاربران آمریکایی در فیس‌بوک و استفاده از یادگیری ماشین برای آنها یک پروفایل شخصیتی-سیاسی ایجاد کرد و از این پروفایل برای هدف قراردادن فرد و نمایش تبلیغات سیاسی شخصی‌شده استفاده کرد. برای مثال هوش مصنوعی این شرکت با بررسی داده‌های فیس‌بوک متوجه می‌شود شخصی دموکرات (طرفدار هیلاری کلینتون) علاقه زیادی به نگهداری اسلحه شخصی دارد. در ادامه برای این فرد تبلیغاتی (گاهی جعلی) که بیانگر نظرات تند کلینتون در مورد نگهداری اسلحه است، نمایش و هم‌زمان تبلیغات دیگری از نظرات مثبت ترامپ درباره نگهداری اسلحه نشان داده می‌شد و به این ترتیب به لحاظ شناختی فرد را نسبت به کلینتون بدبین و به ترامپ خوش‌بین‌تر می‌کرد. جنبه جالب دیگری که در تحقیقات درباره جنگ شناختی برجسته است، روان‌شناسی سایبری (سایبرسایکولوژی) است که در تقاطع دو حوزه روان‌شناسی و سایبرنتیک قرار دارد. روان‌شناسی سایبری یک حوزه علمی پیچیده است که همه پدیده‌های روان‌شناختی یا متأثر از فناوری‌های در حال تحول مرتبط را در بر می‌گیرد. روان‌شناسی سایبری به چگونگی تأثیر انسان و ماشین بر یکدیگر می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه رابطه بین انسان و هوش مصنوعی، تعامل انسان و ارتباطات ماشین به ماشین را تغییر می‌دهد. قطعا همه ما حس خوشایند پربازدیدبودن و لایک‌شدن پست‌های خود در شبکه‌های اجتماعی را تجربه کرده‌ایم. این حس خوشایند یکی از مواردی است که روان‌شناسی سایبری آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. حالا تصور کنید افرادی بدون آگاهی شما و به واسطه هوش مصنوعی، نظرات خاصی بر روی پست‌های شما بیان کرده و شما را به سمت تصمیمی خاص هدایت می‌کنند. موضوع دیگر در حوزه جنگ شناختی، مباحث مربوط به تفکر انسان و بحث سوگیری‌های شناختی است که می‌تواند منجر به قضاوت‌های نادرست و تصمیم‌گیری ضعیف‌شده شود یا از شناسایی به‌موقع تهدیدها جلوگیری کند. درک منشأ و انواع سوگیری‌های شناختی می‌تواند باعث کاهش سوءتفاهم‌ها شده و به توسعه راهبردهای مؤثرتری برای پاسخ به تلاش‌های مخالفان برای استفاده از این سوگیری‌ها کمک کند. به‌طور خاص، مغز:

- نمی‌تواند درست‌بودن یا نادرست‌بودن اطلاعات خاص را تعیین کند.
- در صورت بارگذاری بیش از حد اطلاعات، تأیید اعتبار آنها را سریع‌تر انجام می‌دهد.
- تمایل دارد جملات یا پیام‌هایی را که قبلا شنیده است، حتی اگر نادرست باشد، باور کند.
- اظهارات را در صورتی که با شواهدی تأییدشده باشند، بدون توجه به صحت این شواهد، صحیح می‌داند.

ابعاد جنگ شناختی بسیار فراتر از مطالب یادشده است، اما اگر بخواهیم جمع‌بندی درباره آن داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم جنگ شناختی شکلی از نبرد است که قابلیت‌های رزمی غیرسخت مثل سایبر، اطلاعات، روان‌شناختی و مهندسی اجتماعی را برای پیروزی بدون درگیری با هم ترکیب می‌کند. باید پذیرفت جنگ شناختی نوع جدیدی از جنگ است که با هدف نفوذ یا بی‌ثبات‌کردن ملت‌ها، از افکار عمومی مردم به‌عنوان یک سلاح استفاده می‌کند.

***کارشناسی ارشد علوم شناختی، رسانه**